

بعد از ۴۰ سال تهدید و فشار و تحریم، همچنان حرکت انقلاب در بسیاری حوزه‌ها رو به جلوست. در کنار اعتماد به وعده‌ی الهی، توجه به تجربه‌ی چهل ساله‌ی انقلاب هم نقطه‌های روشن آینده را واقعی‌تر جلوه می‌دهد. «اگر کسی دچار وسوسه و تردید هم بشود، وعده‌ی الهی هم دل او را آرام نکند، تجربه‌ها باید دل او را آرام کند. بنده مکرر این را عرض می‌کنم و با همه‌ی وجود اعتقاد به این معنا دارم. اگرچنانچه هیچ وعده‌ای هم به ما داده نشده بود، با این تجربه‌هایی که ملت ایران از سی چهل سال پیش به این طرف دارد، باید یقین می‌کرد که آینده متعلق به او است؛ باید یقین می‌کرد که پیروزی متعلق به او است» ۹۶/۳/۶

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۷۳۳ / چهارشنبه سوم بهمن ماه ۱۳۹۷

## آمریکا در عراق آب در هاون می‌کوبد!

**کیهان:** پنجم دی ماه گذشته، «دونالد ترامپ» در سفر مخفیانه‌ای که به یک پایگاه نظامی آمریکا در عراق داشت، گفت: «نیروهای مان را از سوریه خارج می‌کنیم و این کشور را از طریق عراق کنترل می‌نمائیم». خبرهای بعدی هم بیانگر آن بود که آنان برای «عراق» برنامه‌ای دارند و بر این اساس این قلم حدود دو هفته پیش طی یادداشتی بخش‌هایی از توطئه‌ای که با محوریت آمریکا علیه امنیت و ثبات عراق دنبال می‌شود را گوشزد نمود. این موضوع در عین حال ابعاد دیگری هم دارد و بد نیست موضوع را با طرح دو پرسش دنبال نمائیم، آیا طرح آمریکا برای افزایش نیروهای نظامی - و در نتیجه افزایش تحرک نظامی - در عراق عملی می‌شود یعنی همان‌گونه که آمریکایی‌ها گمان کرده‌اند، عراقی‌ها با آن کنار می‌آیند؟ هدف اصلی از تحرک نظامی و دامن زدن به ناامنی و بی‌ثباتی در عراق، آنگونه که ترامپ گفت برای ضربه زدن به سوریه است و یا هدف دیگری دارد؟

از منظر آمریکایی‌ها اگر ایران حتی فقط با یکی - دو همسایه خود در حوزه انرژی قراردادهایی ببندد، تحریم‌های آمریکایی قادر به بستن راه انرژی ایران نیست و از این رو قطع روابط عراق با ایران برای واشنگتن یک ضرورت استراتژیک تلقی می‌شود. از آن طرف از نظر مقامات عراقی قطع رابطه انرژی بین دو کشور دومینویی است که آثار سیاسی، امنیتی و اجتماعی آن به همه بخش‌های عراق تسری می‌یابد و این چیزی نیست که عراقی‌ها بتوانند به آن تن دهند.

عراقی‌ها قطعاً نمی‌توانند میان تمایلات قدرتی بین‌المللی که در روزهای حادثه در کنارشان قرار ندارد و حفظ رابطه با قدرتی منطقه‌ای که در کنارشان است و در روز حادثه، صمیمی‌ترین کمک‌کار و دوست‌شان است، اولی را انتخاب نمایند.

از این روی با جرأت می‌توان گفت که آمریکا در عراق آب در هاون می‌کوبد!

## واکنش‌های انفعالی صهیونیست‌ها

**جمهوری اسلامی:** تجاوز وحشیانه هوایی و موشکی ارتش صهیونیستی به دمشق و حومه آن در روزهای اخیر، یک حرکت چند منظوره است که اهداف متعددی را دنبال می‌کند. نخست آنکه وضعیت سیاسی نتانیاهاو به شدت متزلزل و ناپایدار است. قرار است در اولین فرصت ممکن انتخابات زودهنگام در فلسطین اشغالی برپا شود و احتمال پیروزی وی عملاً بسیار ضعیف است. بعلاوه پرونده‌های متعددی از فساد مالی و ضعف عملکرد درباره او وجود دارد که اطرافیان را هم پراکنده ساخته است. برخی وزرای کابینه استعفا داده‌اند و برخی دیگر منتظر فرصتند تا از وی فاصله بگیرند. در چنین

شرایطی حمله به سوریه و ایجاد فضای جنگی، اقدامی برای انحراف افکار عمومی و سرپوش گذاشتن بر وضعیت متزلزل دولت و شخص نتانیاهو ارزیابی می‌شود. موضوع مهم‌تر به تصمیم و اقدام غیرمنتظره ترامپ در مورد خروج نیروهای آمریکا از سوریه بر می‌گردد که متحدین آمریکا را به شدت غافلگیر کرده است.

شکست داعش و سایر تروریست‌ها از این دیدگاه به منزله شکست قطعی آمریکا، اسرائیل و رژیم‌های فاسد عربی است که معادلات قدرت در منطقه را به کلی دگرگون ساخت. همان کشورهایی که سوریه را از اتحادیه عرب اخراج کردند و کرسی سوریه را به تروریست‌های موسوم به ارتش آزاد سوریه دادند، امروز اعتراف می‌کنند که دچار اشتباه استراتژیک شده‌اند و به تدریج درحال بازگشت به دمشق هستند. هدف دیگر صهیونیست‌ها آن است که بگویند اعراب و سایر کشورها نمی‌توانند به دمشق باز گردند چون دمشق نا امن است. اما اگر دولت سوریه روزی به فکر مقابله به مثل بیفتد و بخواهد حملات وحشیانه و تجاوزات هوایی و موشکی صهیونیست‌ها را تلافی کند، قطعاً سرمایه‌داران و مهاجرین از هر گوشه جهان، بسیار زودتر از سفارتخانه‌ها از تل آویو یا بیت‌المقدس یا هر سرزمین اشغالی دیگری خواهند گریخت.

### مشکلات مردم فیلترینگ شد!

**جوان:** شاید اگر در یک فرض ممکن، از هر یک از شهروندان عادی ایران بپرسیم فرض کنید شما رئیس‌جمهور هستید، همین امروز به کدام بخش از دولت سر می‌زدید و جویای احوالات می‌شدید، بلافاصله همه بگویند به بانک مرکزی می‌رفتیم و درباره سرنوشت دلارها می‌پرسیدیم یا به وزارت کشاورزی می‌رفتیم و می‌پرسیدیم چه شد که امسال سیب درختی مرغوب در بازار نایاب و گران است؟ یا به وزارت بازرگانی می‌رفتیم و از گوشت ۹۰ هزار تومانی سؤال می‌کردیم.

می‌توان درباره مسئله‌ای به نام پراید تحقیق و جست‌وجو کرد که چرا همین ارابه مرگ را با منت بر سر مردم می‌کوبید و وزیر صنعت می‌گوید پراید با ۱۰ میلیون ضرر تولید و عرضه می‌شود و بهتر است نشود. بله اگر ما جای رئیس‌جمهور بودیم یک بار هم که شده می‌پرسیدیم چه چیزی در ساخت پراید، مخفی است که با سی، چهل میلیون هم ضررده به حساب می‌آید؟!

حتی یک شهروند عادی اگر رئیس‌جمهور باشد می‌تواند به وزارت خارجه برود و سؤال کند: «ما برای چه با آمریکا و اروپا مذاکره کردیم و هدف برجام چه بود و حالا در برجام دقیقاً کجا ایستاده‌ایم؟»، اما روحانی یک شهروند عادی نیست، پس یک رئیس‌جمهور عادی هم نیست. او ترجیح می‌دهد به وزارت ارتباطات برود و از فیلترینگ سخن بگوید. فیلترینگ یعنی چیزهایی هست که فیلترکننده مایل نیست در میان کاربران از آن سخنی گفته شود. با این تعریف، فیلترینگ اصلی، رفتن به وزارت ارتباطات و سخن گفتن از تلگرام و شعر و موسیقی و قصه رادیو و رضا شاه و ادعای نداشتن رسانه آزاد است. آقای رئیس‌جمهور شما خود نقش فیلتر را بازی کردید. از «آزادی» برباد رفته در رسانه می‌گویید تا کسی از آورده‌های برجام نپرسد! از شادی‌های فانتزی مردم در فضای مجازی می‌گویید تا کسی از شادی‌های واقعی داشتن درآمد مناسب و بازار بدون تورم حرفی نزند. خود به خود، مسکن و معیشت و اشتغال و استقلال را فیلتر می‌کنید و از شعر و ترانه و غزل می‌گویید. برای آنکه بین خودمان و مردم، فیلتری قرار ندهیم، از دو چیز نباید غافل شویم. همه مردم در اطرافیان ما و آنهایی که در فضای مجازی فعالند، خلاصه نمی‌شوند. این‌ها اقلیت ۸۰ میلیون ایرانی‌اند. شما طرف اکثریت باشید و درد آن‌ها را بشنوید و ببینید و در چنبره فضای اطرافیان قرار نگیرید. دیگر اینکه با مردم راست باشید. بله مردم از گرفتن پنالتهای رقیب فوتبالی خوشحال می‌شوند، اما دقایقی بعد فکر آب و نان و خرج و مخارج، لبخند را بر لبان‌شان می‌خشکاند. شما چه بخواهید و چه نخواهید مردم به شادی‌های فانتزی خود ادامه می‌دهند، اما شما مسئول شادی‌های پایدار و آرامش روحی و روانی

مردم هستند که با سخنرانی‌های آبدار در وزارت مجازی، محقق نمی‌شود. اگر فیلترینگ بد است، لطفاً از میان برخیزید که فیلترینگ اصلی، پنهان کردن مشکلات واقعی مردم و فانتزی‌نمایی و قصه‌گویی از رادیو و رضا قلدر است.

### دولت فرومانده بازی آمریکا و مذاکره با طالبان

**خراسان:** پدیده دولت ضعیف یا شکننده به دولتی اشاره می‌کند که بر اثر فعال شدن طیفی از عوامل داخلی و خارجی در جریان اعمال حق انحصاری مالکیت خویش با موانع و مشکلات خاص مواجه و بر اثر این وضعیت برای تأمین نیازهای اولیه خود به نوعی به ناتوانی و ضعف مفرط دچار شده است. نتیجه منطقی این شرایط بروز نوعی وابستگی برای ادامه بقاست. دولت افغانستان نیز پس از سقوط حکومت طالبان و اشغال این کشور توسط نیروهای خارجی به ویژه آمریکایی‌ها با طیفی از مشکلات جدی روبه‌رو و برای ادامه بقا به شدت به واشنگتن وابسته شده است.

منازعات داخلی، وضعیت قوم، قبیله و روابط شخصی، الگوهای چندوجهی اقتدار، چالش‌های برگزاری انتخابات در کشوری چندقومی، حضور جنگ‌سالاران متعدد و موارد متعدد دیگر از جمله مسائلی است که باعث شده افغانستان پس از اجلاس بُن با شکست در استراتژی کلان دولت - ملت سازی آمریکا با دولتی فرومانده روبه‌رو باشد. اگرچه آمریکا در صحنه داخلی افغانستان به دنبال شکل‌دهی به یک دولت - ملت مدرن هم سو و همگرا با ارزش‌های آمریکایی است اما همزمان در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی اهداف مد نظر خود را دنبال می‌کند و برای رسیدن به اهداف و منافع خود سرزمین ژئواستراتژیک افغانستان را مناسب می‌داند.

دولت‌های مختلف آمریکا از بوش پسر تا اوباما و دونالد ترامپ با استفاده از این موقعیت همواره اهداف خود را در منطقه ما دنبال کرده‌اند. بررسی عملکرد و راهبرد امنیت ملی دونالد ترامپ نشان می‌دهد که او در این راهبرد نگاه ویژه‌ای به کشورهای ایران، روسیه، چین، پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی دارد، بنابراین افغانستان می‌تواند بهترین زمین بازی برای آمریکا به منظور نیل به اهدافش باشد.

واشنگتن پس از ناامیدی از همکاری با طالبان از یک سو و شکست داعش در عراق و سوریه از سوی دیگر به این نتیجه رسید که با انتقال اعضا و فرماندهان این گروه تروریستی از کشورهای عربی به افغانستان می‌تواند از این ظرفیت بالقوه برای ناامن‌سازی مرزهای کشورهای ایران، چین و روسیه بهره‌برداری کند. نکته قابل توجه این است که داعش افغانستان هدف مبارزات خود را گروه طالبان و برخی کشورهای منطقه از جمله ایران، روسیه و چین قرار داده است.

با این وضعیت چرا آمریکا همچنان به مذاکره با طالبان ادامه می‌دهد؟ به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها با مطالعه دقیق جامعه‌شناسی و تبارشناسی اقوام و مذاهب در افغانستان به این جمع‌بندی رسیده‌اند که اگر گروه‌های جهادی را بتوانند به مذاکره و صلح با خود راضی کنند بدنه ناراضی این گروه‌ها که همان سربازان میدان نبرد هستند به سوی دیگر گروه‌های جهادی کوچ خواهند کرد و ناخواسته این افراد در پازل تعیین شده از سوی واشنگتن بازی خواهند کرد و در نهایت این گروه‌ها با فروپاشی روبه‌رو خواهند شد. با این جمع‌بندی، آمریکایی‌ها ابتدا سراغ حکمتیار رفتند و او را به کابل آوردند. پس از این موضوع شاهد بودیم برخی از بدنه مبارزاتی و جهادی حزب اسلامی حکمتیار وارد پروسه سیاسی صلح نشد و خواهان ادامه مبارزه شد. در خصوص طالبان نیز آمریکایی‌ها تلاش دارند با پیش کشیدن بحث مذاکرات سیاسی و همزمان استفاده از هجمه رسانه‌ای سنگین در رپرتاژ آن چه خود از این مذاکرات دنبال می‌کنند به بدنه میانی طالبان القا کنند که رهبران آن‌ها اهداف اساسی جهاد از جمله مبارزه با آمریکا را ترک کرده و وارد روند صرف سیاسی شده‌اند.

همزمان آمریکایی‌ها با روی کار آوردن گروه‌های جهادی افراطی مانند داعش و حمایت مالی گسترده از این گروه‌ها راه را برای انتقال جنگجویان طالب به گروه تروریستی داعش هموار می‌کنند. اما با این حال به نظر می‌رسد رهبران طالبان نیز در طول چند ماه گذشته توانسته‌اند بازی خود را در مذاکرات با آمریکایی‌ها انجام دهند و ضمن نشان دادن توان نظامی و سیاسی خود تاکنون برگ برنده‌ای را در اختیار واشنگتن قرار نداده‌اند. طالبان همزمان با مذاکره با طالبان به ایران و روسیه سفر کردند و این نشان از آن دارد که آن‌ها در زمین تعریف شده از سوی واشنگتن بازی نمی‌کنند.

### گروکشی فرانسوی‌ها از برجام نابود!

**وطن امروز:** بازی مستقیم فرانسوی‌ها در زمین دولت ترامپ تمامی ندارد! مقامات کاخ الیزه در تازه‌ترین یاوه‌گویی‌های خود علیه برنامه موشکی ایران، خواستار توقف کامل (!) آزمایش موشک‌های بالستیک از سوی جمهوری اسلامی ایران شده‌اند؛ متأسفانه سیگنال‌هایی که به صورت خواسته یا ناخواسته از داخل مجموعه دستگاه سیاست خارجی کشورمان مبنی بر «نیاز ایران به برجام اروپایی» به تروئیکا و دیگر بازیگران عضو اتحادیه اروپایی مخابره شده است، در شکل‌گیری این روند بسیار موثر بوده و فرانسوی‌ها را در ادامه این بازی خطرناک مصمم‌تر کرده است. در حقیقت فرانسوی‌ها عملیاتی کردن سازوکار ویژه مالی اروپا در قبال ایران را منوط به مذاکره با تهران بر سر توان موشکی کشورمان و متعاقباً تحدید توان دفاعی و منطقه‌ای مان کرده‌اند. آیا زمان آن نرسیده است تا مقامات وزارت امور خارجه کشورمان از فاز «سکوت» و «مصالحه» در برابر اروپا خارج شده و جزئیات این بازی خطرناک فرانسوی‌ها را برای افکار عمومی کشورمان تشریح کنند؟ آیا «پرده‌برداری از چهره ضدایرانی الیزه» نیز جزئی از «خطوط قرمز تاکتیکی» دستگاه دیپلماسی کشورمان محسوب می‌شود؟ اگر اینگونه است، باید به حال وزارت امور خارجه کشورمان گریست! زمان آن است که وزارت امور خارجه کشورمان در قبال مذاکرات پنهان لودریان و مایک پمپئو (پس از خروج آمریکا از برجام) درباره ایران شفاف‌سازی کرده و یک بار برای همیشه، پاسخ قاطعانه و محکمی را به پاریس مخابره کند. بدون شک، در صورتی که رویکرد فعلی دستگاه دیپلماسی ما در قبال فرانسوی‌ها ادامه یابد، وقاحت کاخ الیزه در استمرار این بازی ضدایرانی خطرناک بیشتر خواهد شد. در این صورت فرصتی برای خنثی‌سازی، مهار و فراتر از آن، مدیریت رفتار فرانسوی‌ها باقی نمی‌ماند. زمان آن رسیده است مقامات دولت امانوئل ماکرون، پاسخ ۲ سال بازی ضدایرانی مستمر خود در زمین دولت ترامپ را از وزارت امور خارجه کشورمان دریافت کنند. آقای دکتر ظریف و همراهان ایشان در وزارت امور خارجه متوجه فوریت این موضوع خواهند شد؟!

